
۶۶۳	فصل سوم - در موانع نکاح.....
۷۰۸	فصل چهارم - شرایط صحت نکاح.....
۷۳۸	فصل پنجم - وکالت در نکاح.....
۷۴۹	فصل ششم - در نکاح منقطع.....
۷۵۴	فصل هفتم - در مهر.....
۸۱۰	فصل هشتم: در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر.....

مقدمه مؤلف

تألیف و خصوصیات این کتاب تشریح کامل مواد قانونی، ارائه توضیحات آراء وحدت رویه قضایی و نظریات دانشمندان علم حقوق و تطبیق مواد قانونی را با مثال‌های فراوان و نکته‌های کلیدی برای جامعه حقوقی (داوطلبان کنکور، دانشجویان، کارآموزان اختبار، وکلا و قضات و ...) در ۶ جلد تحت عنوان شرح قانون مدنی به زبان پیشرفته به جامعه حقوقی و دانش‌پژوهان علم حقوق تقدیم می‌نمایم. این کتاب در دو جلد، جلد نخست شرح قانون مدنی به زبان عامه و جلد پیشرفته که در ۶ جلد جهت سهولت در مطالعه کردن تنظیم و تألیف گردیده است.

احتراماً بر خود لازم می‌دانم از مساعدت خالصانه و زحمات بی‌شائبه مدیریت محترم انتشارات کتاب آوا و مؤسسه آموزش عالی آزاد ندا و همکاران گرامی و خوب و دلسوز تشکر و قدردانی نمایم. در صورت داشتن هرگونه نظر یا پیشنهاد و ... به پست الکترونیکی Ali.t521@yahoo.com مکاتبه نمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

سید علی‌اکبر تقویان

تابستان ۹۹

باب دوم: در ارث

فصل اول: در موجبات ارث و طبقات مختلفه آن

ماده ۸۶۱- موجب ارث دو امر است: نَسَبٌ و سَبَبٌ.

سؤال = منظور از نسب و سبب که دو موجب (سبب) برای ارث می‌باشد چیست؟

جواب = منظور از نسب افرادی هستند که به جهت تولدی (نسبی) از شخص مرحوم (از دنیا رفته) ارث می‌برند مانند فرزند انسان و یا برادر و خواهر انسان که وقتی انسانی از دنیا رفت فرزندان وی از او ارث می‌برند چون آن فرزندان از وی (شخص از دنیا رفته) تولد یافته‌اند و همین‌طور مثلاً پدر و مادر آن میت از وی (آن میت) ارث می‌برند چون که آن میت از آن پدر و مادر تولد یافته است و همین‌طور مثلاً اگر از طبقه اول کسی به عنوان وارث برای آن میت نباشد در طبقه دوم اگر برادر و خواهر داشته باشد آن برادر و خواهر میت از آن میت ارث می‌برند به خاطر اینکه آن میت و برادر و خواهرش همگی از یک پدر و مادر و یا از یک پدر و یا از یک مادر متولد شده‌اند و اما منظور از سبب افرادی است که از میت ارث می‌برند اما نه به خاطر جهت تولدی بلکه به جهت ارتباطی که با آن میت به دلیل رابطه ازدواج و مانند آن داشته‌اند که مثلاً زن از شوهرش که فوت کند ارث می‌برد همان‌طوری که برعکس اگر زن فوت کند شوهرش از اموال وی ارث می‌برد. اکنون با ملاحظه مطالب بیان شده دو نکته در شرح توضیح ماده فوق ۸۶۱ اضافه می‌کنیم:

۱- اولین مطلب پیرامون مطرح شدن دو سبب برای ارث است که یکی سبب زوجیت (ازدواج) است و دیگری سبب حکومت و ولایت عمومی است در مورد سبب بودن زوجیت (ازدواج) برای ارث شکی در آن نیست و همه دانشمندان حقوقی و فقهاء آن را قبول دارند و خود قانونگذار هم این موضوع را به صراحت در ماده ۸۶۴ قانون مدنی بیان کرده و چنین اظهار دارد: «از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد.» بنابراین اگر شخص A که ازدواج کرده و همسر او هنگام فوت وی (A) زنده است وقتی وی (A) فوت کرد همسر وی از او ارث می‌برد. همان‌طوری که برعکس چنانچه آن خانم فوت کند و هنگام فوتش شوهر وی زنده باشد آن شوهر طبق قانون ارث از خانمش (که فوت کرده است) ارث می‌برد و این ارث بردن به خاطر وجود سبب و رابطه زوجیت بین آن زن و مرد می‌باشد. اما در مورد سبب حکومت و ولایت عمومی دولت منظور این است که اگر شخصی

اموالی داشته باشد و هیچ وارث نسبی نداشته باشد و امر سببی که موجب ارث گردد منحصر در ولایت و حکومت باشد در اینجا در مورد اینکه آیا آن حکومت و آن دولت از باب اینکه ولایت عمومی بر افراد دارد اموال آن فرد (بی وارث) را به ارث می‌برد یا نه بین دانشمندان حقوقی اختلاف نظر است. ماده ۸۶۶ قانون مدنی در این رابطه می‌گوید: «در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.» ظاهر استفاده شده از ماده ۸۶۶ قانون مدنی این است که حاکم اسلامی موظف به اداره کردن آن اموال می‌باشد. بنابراین چنانچه شخص A هیچ وارثی نسبی ندارد و همسر هم ندارد که در نتیجه رابطه سببی منحصر در حکومت و ولایت دولت می‌باشد در این صورت طبق ماده ۸۶۶ قانون مدنی حکومت و دولت اسلامی متصدی دریافت اموال آن مرحوم (A) بوده که آن را اداره نماید نه اینکه حاکم اسلامی مالک آن اموال شده و وارث باشد. «در این مورد رجوع کنید به کتاب دکتر سیدحسن امامی، جلد ۳، صفحه ۱۵۲ به بعد». اما برخی دیگر از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که اموال چنین شخصی که وارث نسبی نداشته و وارث سببی او منحصر در حکومت و ولایت عمومی دولت می‌باشد به حاکم اسلامی داده می‌شود تا حاکم آن را وارد بیت‌المال (خزانه عمومی) نموده و حکومت اسلامی مالک آن اموال می‌گردد تا طبق مصلحت کشور و مردم خرج و مصرف شود که طبق مثال بنابر عقیده این بعضی از حقوقدانان اموال شخص A که هیچ وارث نسبی ندارد و وارث سببی او هم منحصر در دولت (ولایت عمومی) و حکومت اسلامی باشد (شخص A وقت فوت همسر هم ندارد) حکومت اسلامی به عنوان داشتن ولایت عمومی بر افراد اموال وی را دریافت کرده و وارد بیت‌المال (خزانه عمومی) می‌نماید تا آنگاه طبق مصلحت به مصرف کشور و مردم رسانده شود. «برای دیدن این نظر و عقیده به کتاب مصطفی عدل، حقوق مدنی، شماره ۸۸۶ رجوع شود.»

۲- دومین نکته را در تکمیل نکته اول قرار می‌دهیم که وقتی یک شخصی اموالی دارد و هیچ وارث نسبی و یا سببی هم ندارد (که وارث سببی او منحصر در حاکم اسلامی می‌گردد) و از دنیا رفت در این حالت گرچه به نظر می‌آید که اموال وی که بدون وارث بوده به عنوان اموال بدون صاحب در اختیار و ملکیت حکومت و دولت اسلامی قرار می‌گیرد ولی این امر به معنای مالک شدن حاکم اسلامی به عنوان وارث بودن نمی‌باشد. به همین جهت است که کسی که هیچ وارثی چه نسبی و چه سببی (همسر) ندارد می‌تواند به تمام اموال خود وصیت نماید. یعنی وصیت کند که بعد از مرگ من تمام اموال من را در راه ... مصرف کنید یا اینکه وصیت کند که بعد از فوت من تمام اموال را به فلانی بدهید. بنابراین اگر مثلاً شخص A دارای اموالی معادل با ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سیصد میلیون تومان می‌باشد که اگر یک وارث یا چند وارث می‌داشت فقط به

اندازه ثلث ($\frac{1}{3}$) آن اموال (معادل $100/000/000$ یکصد میلیون تومان) حق داشت که به آن وصیت نماید که بعد از فوتش آن ثلث ($\frac{1}{3}$) را به شخص یا اشخاص بدهند یا در یک جهت یا جهاتی به مصرف برسانند. اما اکنون که شخص A هیچ وارث نسبی و سببی ندارد و فقط وارث سببی او منحصر در وجود حاکم اسلامی می‌باشد در این حالت شخص A (برخلاف صورت قبل که وارث نسبی یا سببی (مانند همسر) داشته و بدین جهت نمی‌توانست به بیشتر از ثلث اموالش وصیت کند) می‌تواند نسبت به کل اموالش وصیت نماید که مثلاً وصیت کند بعد از مرگ من کل اموالم را که معادل مبلغ $300/000/000$ سیصد میلیون تومان است به شخص B بدهید. یا اینکه می‌تواند وصیت کند که کل اموالم را بعد از مرگ من در راه‌های عام‌المنفعه مصرف نمایم و این امر دلیل بر این مطلب است که بعد از فوت وی اشخاصی نیستند به عنوان وارث که مالک تمام یا بعضی از ثروت و اموال وی بشوند تا اینکه نتواند به تمام اموالش وصیت کند آن طوری که در صورت قبل چون بعد از مرگش یک وارث یا چند وارث (مانند فرزند یا فرزندانش) وجود می‌داشت وی حق نداشت به بیشتر از ثلث ($\frac{1}{3}$) اموالش وصیت نماید اما در اینجا (همان طوری که گفته شد) چون بعد از مرگش هیچ وارث یا وراثتی وجود ندارد که مالک تمام یا بخشی از اموال وی بشود او (A) می‌تواند نسبت به تمام اموالش [نه فقط نسبت به ثلث ($\frac{1}{3}$) اموالش] وصیت کند که آن را به یک نفر یا چند نفر بدهند و یا اینکه در یک راه یا چند راه مشروع به مصرف برسانند. پس معلوم شد که اگر چه بعد از فوت وی (A) حاکم اسلامی وجود دارد اما حاکم اسلامی مالک اموال وی نمی‌شود و وارث اموال او به شمار نمی‌رود بلکه حاکم اسلامی وظیفه دارد که اموال وی را دریافت نموده و به بیت‌المال مسلمین بسپارد تا مطابق آنچه که مصلحت کشور و مردم اقتضاء می‌کند به مصرف برسد.

ماده ۸۶۲- اشخاصی که به موجب نَسَبِ ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛

۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛

۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

سؤال = چه افرادی به واسطهٔ نسب ارث می‌برند؟

جواب = قانونگذار در ماده فوق بیان داشته است کسانی که به واسطه نسب (رابطه تولدی) ارث می‌برند در سه طبقه قرار می‌گیرند که عبارتند از: طبقه اول: پدر و مادر میت و اولاد میت و اولاد اولاد میت. طبقه دوم: اجداد میت (پدر پدر میت و پدر مادر میت و مادر مادر میت و مادر پدر میت) و برادر و خواهر میت و اولاد برادر و خواهر میت. طبقه سوم: اعمام (عموهای میت) و عمات (عمه‌های میت) و احوال (دایی‌های میت) و خالات (خاله‌های میت) و اولاد عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های میت. منظور از گنجاندن این وراثت (که به واسطه نسبت ارث می‌برند) در این سه طبقه این است که چنانچه از افراد طبقه اول حتی یک نفر وجود داشته باشد هیچ یک از افراد در طبقه‌های دوم و سوم ارث نمی‌برند و همه آن اموال طبق قانون ارث متعلق به فرد یا افراد موجود در طبقه اول می‌باشد. بنابراین وقتی که مثلاً شخص A از دنیا رفت و از هر طبقه بستگان نسبی (تولدی) دارد که مثلاً از طبقه اول پدر و مادر و فرزندان و از طبقه دوم برادر و خواهر و از طبقه سوم عمو و عمه دارد در این صورت اموال وی طبق قانون ارث فقط بین افراد طبقه اول (در مثال پدر و مادر و فرزندان وی) تقسیم می‌شود و بقیه بستگان وی (برادر و خواهر و عمه و عمو) از آن اموال ارث نمی‌برند. همان‌طوری که مثلاً شخص A که از دنیا رفته است از افراد طبقه اول هیچ خویشاوند نسبی ندارد بلکه یک پدر پدر و یک مادر مادر (که از طبقه دوم می‌باشند) دارد که در این صورت آن اموال بجا مانده (ترکه) از شخص A به آن جد و جدّه می‌رسد و به افراد طبقه سوم چیزی نمی‌رسد. بنابراین فلسفه و انگیزه قانونگذار از قرار دادن این طبقه‌ها این است که تا یک نفر از طبقه اولی موجود است به افراد طبقات بعدی چیزی نمی‌دهند و آنگاه اگر از طبقه اول و ارثی نبود نوبت به افراد طبقه دوم می‌رسد که چنانچه حتی یک نفر از افراد طبقه دوم موجود باشد همه اموال را به او می‌دهند و چیزی به افراد طبقه سوم نمی‌رسد، و اگر از طبقه دوم هیچ وارثی نبود آنگاه نوبت به افراد طبقه سوم می‌رسد که اگرچه وارث بودند که مثلاً شخص A عمه و عمو و دایی و خاله داشته باشد آن اموال بین آنها تقسیم می‌شود و چنانچه فقط یک نفر از افراد طبقه سوم موجود باشد همه اموال به او می‌رسد مثل اینکه شخص A از نظر داشتن بستگان تولدی (نسبی) فقط یک عمو دارد (که از طبقه سوم می‌باشد) که تمام اموال به او می‌رسد. اکنون با ملاحظه توضیح و شرح داده شده نکاتی را اضافه می‌کنیم:

۱- اولین نکته را به یادآوری این مطلب اختصاص می‌دهیم که منظور از اجداد (در طبقه دوم) هم پدربزرگ و مادربزرگ بی‌واسطه و مستقیم میت می‌باشد و هم شامل پدربزرگ و مادربزرگ با واسطه می‌گردد یعنی پدربزرگ پدر میت و مادربزرگ مادر میت و پدربزرگ مادر میت و

مادربزرگ پدر میت که هر کدام از این افراد (جد یا جدۀ بی واسطه) موجود باشد ارث می‌برند به شرط اینکه پدربزرگ یا مادربزرگ بی‌واسطه و مستقیم میت زنده نباشد چون که در این جهت هم سلسله مراتب و اولویت باید رعایت شود که با وجود جد یا جدۀ بی‌واسطه و مستقیم میت آن جد یا جدۀ بی‌واسطه میت ارث نمی‌برد. بنابراین طبق این مثال که شخص A وقتی از دنیا رفت و از طبقه اول (پدر یا مادر یا فرزندان) هیچ وارثی نداشت نوبت به طبقه دوم می‌رسد که چنانچه شخص A پدربزرگ (پدر پدر یا پدر مادر) و مادربزرگ (مادر مادر یا مادر پدر) داشته باشد که پدربزرگ بی‌واسطه و مستقیم وی به شمار می‌رود یا یکی از آن دو (پدربزرگ یا مادربزرگ وی) موجود باشد ارث می‌برند. آنگاه اگر پدربزرگ یا مادربزرگ مستقیم و بی‌واسطه شخص A (که از دنیا رفته) زنده باشد و پدربزرگ یا مادربزرگ با واسطه وی هم زنده باشند چیزی از اموال شخص A به آن پدربزرگ یا مادربزرگ با واسطه نمی‌رسد. پدربزرگ با واسطه پدربزرگ پدر میت (در مثال شخص A) و یا پدربزرگ مادر میت می‌باشد و منظور از مادربزرگ با واسطه مادربزرگ مادر میت یا مادربزرگ پدر میت می‌باشد. «در این مورد به کتاب دکتر سیدحسن امامی، جلد ۳، صفحه ۱۵۱ رجوع کنید».

۲- دومین نکته را نیز در ارتباط با توضیح پیرامون بعضی از افراد وارث در طبقه دوم قرار می‌دهیم که منظور مشخص شدن مقصود از «اولاد آنها» است که در بند ۲ از ماده ۸۶۲ آمده است که لازم است توجه به این معنی هم بشود که مقصود از «اولاد آنها» فقط اولاد برادر و خواهر میت است که ارث می‌برند (البته آن هم به شرط اینکه میت برادر یا خواهر نداشته باشد و فقط اولاد برادر یا خواهر موجود باشد) و شامل اولاد جد (پدربزرگ) و جدۀ (مادربزرگ) نمی‌شود زیرا اولاد جد و جدۀ میت همان پدر یا مادر میت هستند که در طبقه اول می‌باشند و نمی‌توان فرض کرد که دوباره در طبقه دوم هم قرار بگیرند. بنابراین براساس مثال زده شده چنانچه شخص A دارای ثروت و اموالی باشد و از دنیا رفت و از طبقه اول هیچ وارثی ندارد و از طبقه دوم هم فقط چند فرزند از برادر و خواهرش موجود است (و آن برادر و خواهر هم زنده نیستند) که در این صورت اموال وی به آن فرزندان برادر و خواهر شخص A می‌رسد و اگر در طبقه سوم هم افرادی باشند به آنها چیزی نمی‌رسد و همان طوری که گفته شد عبارت «اولاد آنها» شامل اولاد اجداد (پدربزرگ و مادربزرگ) نمی‌شود زیرا (همان طوری که گفته شد) اولاد اجداد همان پدر و مادر شخص A هستند (که شخص A فوت کرده است) و پدر و مادر وی جزء وارثان طبقه اول هستند و فرض این است که پدر و مادر شخص A زنده نیستند و خود شخص A هم (که از دنیا رفته است) فرزندی و یا فرزند فرزندی ندارد (که اینها هم جزء وارثان طبقه

اول می‌باشند) آنگاه نوبت به وارثان طبقه دوم رسیده است که اگر برادر و خواهر برای A نباشد (یعنی از دنیا رفته باشد) اولاد آنها (بجای پدر و مادرشان = آن برادر و خواهر) ارث می‌برند.

۳- نکته سوم را نیز به بیان این مطلب اختصاص می‌دهیم که منظور از اعمام (عموها) و عمات (عمه‌ها) و احوال (دایی‌ها) و خالات (خاله‌ها) هم عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های درجه اول می‌باشد (که عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های خود شخص میّت می‌باشند) و هم عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های پدر یا مادر میّت می‌باشند و هم عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های پدر پدر میت یا مادر مادر میت و یا پدر مادر میت و یا مادر پدر میت می‌باشد (که در اصطلاح و به عبارت کوتاه‌تر عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های اجداد میت می‌باشد) همچنین فرقی نمی‌کند که عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های پدر یا مادر میت (که ارث می‌برند) پدری و مادری (ابوینی) باشند یا پدری تنها (ابی) یا مادری تنها (امی) باشند که همه اینها جزء طبقه سوم محسوب شده و ارث می‌برند. بنابراین طبق مثال زده شده وقتی که شخص A دارای اموال و دارایی بوده و از دنیا رفت چنانچه از طبقه‌های اول و دوم هیچ وارثی نداشته باشد اما از طبقه سوم عمو و عمه و دایی و خاله یا بعضی از این بستگان نسبی را داشته باشد از او ارث می‌برند و چنانچه خود شخص A عمو یا عمه یا خاله یا دایی نداشته باشد یا داشته ولی قبل از اینکه شخص A فوت کند آنها از دنیا رفته‌اند اما پدر یا مادر شخص A دارای عمو یا عمه یا دایی یا خاله می‌باشد (که اینها عمو و عمه و دایی و خاله با واسطه شخص A هم محسوب می‌شوند) آنها از شخص A ارث می‌برند. همان‌طوری که اگر عمو و عمه و دایی و خاله پدر یا مادر شخص A موجود نباشد اما عمو و عمه و دایی و خاله پدر پدر و یا پدر مادر (جدّ) شخص A (بعد از فوت A) زنده و موجود باشد یا عمو و عمه و دایی و خاله مادر پدر یا مادر مادر (جدّه) شخص A زنده و موجود باشد آنها از اموال شخص A ارث می‌برند چون که این افراد عمو یا عمه یا دایی یا خاله با واسطه شخص A هم به شمار می‌روند. «در این زمینه به همان کتاب دکتر امامی، جلد ۳ رجوع کنید».

ماده ۸۶۳- وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد.

سؤال = آیا وراثت هر طبقه‌ای در هر حال از اموال آن میّت ارث می‌برند؟

جواب = نسبت به وارث طبقه‌های دوم و سوم خیر، این طور نیست که آنها در هر صورت و شرایطی (چه اینکه از طبقه قبل وراثتی باشند یا نباشند) ارث ببرند. بنابراین وراثت طبقه اول (پدر و مادر و فرزندان میّت) در هر صورت و شرایطی ارث می‌برند چه اینکه از وراثت (افراد)

طبقه‌های بعد (دوم و سوم) افرادی باشند یا نباشند. اما افراد طبقه‌های دوم و سوم به شرطی ارث می‌برند که هیچ یک از افراد طبقه قبل وجود نداشته باشد. بنابراین وقتی اجداد و برادران و خواهران میّت از آن مرحوم ارث می‌برند که هیچ کدام از افراد طبقه اول (پدر و مادر و فرزندان میّت) موجود نباشند. ادر ضمن همانطوری که اشاره شد فرزندان (اولاد) خواهران و برادران میّت هم در صورتی از آن میّت ارث می‌برند که خواهران و برادران آن میّت (مادران و پدران آن اولاد) کسی هنگام فوت آن مورث زنده نباشد] و همچنین زمانی افراد طبقه سوم (عمو و عمه و دایی و خاله و فرزندان آنها) از اموال و دارایی میّت ارث می‌برند که هیچ یک از افراد طبقه‌های اول و دوم وجود نداشته باشند. [همچنان که اولاد آنها در صورتی از آن میّت ارث می‌برند که هیچ یک از عمو و یا عمه و یا خاله و دایی وجود نداشته باشند]. مطلب بیان شده را نسبت به اینکه ارث بردن افراد طبقه دوم منوط و مشروط به نبودن وارث از طبقه اول است، قانونگذار در ماده ۹۱۶ قانون مدنی این چنین بیان نموده است: «هرگاه برای میّت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به ورث طبقه ثانیه می‌رسد.» بنابراین اگر مثلاً A از افراد طبقه اول (پدر و مادر و فرزندان) هیچ وارثی نداشته باشد ولی از طبقه دوم یک خواهر داشته باشد در این صورت اموال و ثروت او به آن خواهرش می‌رسد چون که از طبقه اول هیچ وارثی وجود ندارد اما اگر از طبقه اول حتی یک وارث (مانند یک فرزند یا یک فرزند فرزند = نوه) وجود داشته باشد همه آنها اموال و ثروت به همان یک فرزند یا یک نوه (که از طبقه اول می‌باشد) به ارث می‌رسد و چیزی به آن خواهر که از طبقه دوم است نمی‌رسد. همچنین قانونگذار در مورد مطلب بیان شده راجع به مشروط بودن ارث بردن افراد طبقه سوم به موجود نبودن هیچ فردی از افراد طبقه دوم (بعد از فوت مورث) در ماده ۹۲۸ قانون مدنی اظهار می‌دارد: «هرگاه برای میّت وارث طبقه دوم نباشد ترکه او به ورث طبقه سوم می‌رسد.» بنابراین چنانچه مثلاً بعد از فوت شخص A از افراد طبقه‌های اول و دوم هیچ وارثی نباشد و مثلاً فقط یک دایی از طبقه سوم داشته باشد در این صورت تمام اموال او به همان دایی وی می‌رسد (البته بعد از کسر بدهی‌هایی که شخص A دارد) و در ضمن اگر اولاد یکی از عمو یا عمه یا خاله یا دایی هم موجود باشد با بودن دایی (در فرض مثال) اولاد آنها ارث نمی‌برند.

ماده ۸۶۴- از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد.

سؤال = زن و شوهر در چه صورتی «به واسطه سببی» از همدیگر ارث می‌برند؟

جواب = براساس نظر اعلام شده قانونگذار ماده ۸۶۴ قانون مدنی اگر زن فوت کند و هنگام مرگ وی شوهرش زنده باشد آن شوهر از اموال و دارایی آن زن ارث می‌برد همان‌طوری که چنانچه هنگام فوت شوهر چنانچه خانم وی زنده باشد خانمش از اموال وی ارث می‌برد. مفهوم مخالف مطالب گفته شده این است که چنانچه مثلاً خانم شخص A قبل از شخص A از دنیا رفته باشد آنگاه شخص A از دنیا رفت در این حالت چیزی از اموال شخص A به آن خانمش (که قبل از وی از دنیا رفته است) تعلق نمی‌گیرد که اگر آن خانم وارثی داشته باشد آن اموال به وارث زن برسد (چون که خود آن زن از دنیا رفته است) و همین‌طور اگر مثلاً شوهر خانم B قبل از فوت آن خانم از دنیا رفته باشد وقتی که خانمش از دنیا رفت از اموال خانمش ارث نمی‌برد که آنگاه آنچه سهم او شده به وارثش برسد. (چون که خود آن شوهر فعلاً از دنیا رفته است) اما همان‌طوری که گفته شد اگر خانم شخص A هنگام فوت شوهرش (A) زنده باشد از اموال بجا مانده از شوهرش ارث می‌برد و برعکس اگر شوهر خانم B هنگام فوت خانمش زنده باشد از اموال خانمش (که از دنیا رفته است) ارث می‌برد. اکنون با ملاحظه مطلب بیان شده یک نکته اضافه می‌کنیم: قید «از جمله» در عبارت قانونگذار در ماده فوق ۸۶۴ که می‌گوید: «از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است...»، احتمال دارد منظور قانونگذار از آوردن این قید (از جمله) این است که غیر از زوجین باز هم شخص یا اشخاص هستند که به واسطه سبب ارث می‌برند که خود قانونگذار در ماده ۸۶۶ قانون مدنی حاکم را مأمور اداره ترکه بدون وارث نموده است اما این بدین معنی نیست که حاکم وارث آن شخص بدون وارث می‌باشد و اموال وی را به ارث می‌برد که لازم آن این باشد که آن شخص نتواند به بیشتر از ثلث ($\frac{1}{3}$) اموالش وصیت نماید بلکه به نظر می‌آید (همان‌طوری که ضمن شرح برخی از مواد گذشته اشاره شد) حاکم در چنین صورتی (که آن شخص هیچ وارثی ندارد) فقط مسئولیت اداره کردن آن ترکه را دارد که برخی از حقوقدانان این چنین تعبیر کردند که در این حالت آن ترکه به خزانه عمومی دولت (یا بیت‌المال) سپرده می‌شود. پس وقتی که حاکم وارث آن ترکه نبود مالک آن اموال می‌تواند به تمام اموال خود وصیت کند که مثلاً تمام آن اموال را به فلان شخص بدهید که در این حالت وصیت اختصاص به ثلث نخواهد داشت. زیرا فهمیده شد که دلیل و حکمت اینکه قانونگذار فقط وصیت کردن به ثلث ($\frac{1}{3}$) اموال را مجاز و مشروع می‌داند این است که با وصیت کردن به بیشتر از ثلث ($\frac{1}{3}$) اجحاف و ظلم به وراثت نشود و $\frac{2}{3}$

دو سوم باقیمانده نصیب وراثت شود و اکنون که آن موصی هیچ وارثی ندارد پس منعی و اشکالی نیست برای اینکه موصی بتواند به تمام اموالش وصیت کند. بنابراین وقتی که شخص A وارثی از یکی از طبقات سه‌گانه دارد همان‌طوری که ممکن است وارث سببی (زوج) هم داشته باشد در این حالت وی (A) فقط نسبت به ثلث ($\frac{1}{3}$) اموالش حق دارد برای بعد از فوتش وصیت کند چون که $\frac{2}{3}$ دو سوم باقیمانده قرار است به آن وارث یا وراثت برسد و به همین دلیل اگر وی (A) به بیشتر از ثلث وصیت نمود مثلاً اگر ثلث اموال وی معادل مبلغ $\frac{2000000}{1000000}$ بیست میلیون تومان بوده است اما وی معادل مبلغ $\frac{3000000}{1000000}$ سی میلیون تومان از اموالش وصیت کرد که به شخص خاص بدهند و یا در جهت عام‌المنفعه (مانند ساختن مدرسه) به مصرف برسانند در این صورت نسبت به معادل مبلغ $\frac{1000000}{1000000}$ ده میلیون تومان حق نداشته وصیت کند زیرا مال وراثت بوده است و در صورتی آن وصیت نسبت به آن مقدار زیادی بر ثلث (معادل مبلغ $\frac{1000000}{1000000}$ ده میلیون تومان) صحیح و نافذ خواهد بود که وراثت همگی هر کدامشان نسبت به سهم خودشان آن مقدار اضافی بر ثلث را اجازه بدهند. اما اگر شخص A هیچ وارثی از طبقات سه‌گانه نداشته و حتی همسر هم (که وارث سببی است) نداشته باشد در این حالت همان‌طوری که گفته شد آن وارث (در مثال A) می‌تواند به تمام اموال خود که معادل مبلغ $\frac{6000000}{1000000}$ شصت میلیون تومان است وصیت کند که مثلاً آن را بعد از مرگش به شخص B بدهند و یا مثلاً در جهات (راه‌های) عام‌المنفعه به مصرف برسانند چون که هیچ وارث نسبی و سببی ندارد و فقط حاکم وجود دارد و حاکم را هم گفتیم که ظاهراً مالک آن اموال از باب وارث بودن نمی‌شود و فقط مأمور اداره کردن آن اموال (ترکه) و به مصرف رساندن آنها در مصالح کشور و مردم می‌باشد آن هم به شرطی که موصی (مالک اموال = مرحوم) به تمام اموال وصیت نکرده باشد.

ماده ۸۶۵- اگر در شخص واحد موجبات متعدّدۀ ارث جمع شود، به جهت تمام آن موجبات ارث می‌برد، مگر این که بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد.

سؤال = اگر در یک شخصی چند موجب ارث باشد آیا در هر صورت وی به جهت تمام آن چند موجب، ارث می‌برد؟

ک جواب = بلی، اما به شرط اینکه بعضی از چند موجب مانع بعضی دیگر نباشد. به سخن دیگر اگر در یک شخص چند موجب برای ارث بردن جمع باشد وی به خاطر تمام آن موجبات ارث می برد و بنابراین چند سهم ارث نصیب وی می شود به شرط اینکه بعضی از آن موجبات مانع بعضی دیگر نباشد که در نتیجه اگر برخی از آن چند موجب مانع برخی دیگر باشد آن شخص فقط به جهت عنوان (موجب) مانع ارث می برد. توضیح بیشتر را با آوردن مثال هایی ضمن بیان نکاتی ملاحظه خواهید نمود:

۱- برای موردی که یک شخص به جهت دو موجب (عنوان) ارث ببرد می توان این طور مثال زد که همسر شخصی دختر عمومی آن شخص می باشد که بعد از فوت آن شوهر، همسر وی به دو جهت و عنوان از اموال آن شوهر (که فوت کرده است) ارث می برد که یک جهت آن سببی است که ازدواج است که چون همسر آن متوفی است سهم همسر را به ارث می برد و جهت دیگر نسبی است که چون دختر عمومی آن شوهر هم می باشد سهم دختر عمومی متوفی را هم از اموال آن متوفی (شوهرش که فوت کرده است) به ارث می برد. بنابراین اگر مثلاً شخص A با دختر عمومی ازدواج کرده باشد و هنگام فوت وی (A) اموالی معادل با مبلغ $80/000/000$ هشتاد میلیون تومان داشته باشد و وراثت وی فقط همسرش و خواهر همسرش «یک دختر عمومی دیگر که از طبقه سوم می باشد» هستند که بعد از فوت وی (A) در این حالت همسر وی (همان طوری که گفته شد) هم به جهت عنوان همسر وی از اموال شوهرش (A) ارث می برد و هم به جهت اینکه دختر عمومی وی می باشد از اموال آن شوهر ارث می برد (که جهت اول سببی و جهت دوم نسبی می باشد). طبق قانون ارث چون آن شوهر فرزندی ندارد سهم ارث آن خانم معادل مبلغ $20/000/000$ بیست میلیون تومان ($\frac{1}{4}$ یک چهارم کل اموال) می باشد که بعد از

جدا کردن $\frac{1}{4}$ از آن اموال، باقیمانده اموال معادل مبلغ $60/000/000$ شصت میلیون تومان خواهد بود و چون آن متوفی (شوهر که فوت کرده است) یک دختر عمومی دیگر (غیر از همسرش) هم دارد در این حالت همسر وی هم به عنوان یک دختر عمومی آن متوفی در کنار آن خواهرش (دختر عمومی دیگر آن شوهر) قرار می گیرد و به جهت نسبی (دختر عمومی بودن برای آن شوهر از دنیا رفته) ارث می برد ادر حالی که به ارث بردن آن $\frac{1}{4}$ یک چهارم = معادل مبلغ $20/000/000$ بیست میلیون تومان به جهت سببی (همسر بودن) بوده است. بنابراین در این حالت آن باقیمانده اموال شوهر از دنیا رفته (معادل مبلغ $60/000/000$ شصت میلیون

تومان) به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شود و به هر کدام از آن دو دختر عمومی آن متوفی (که یکی از آن دو دختر عمو همسر متوفی می‌باشد) معادل مبلغ $\frac{30}{1000}/1000$ سی میلیون تومان از آن اموال می‌رسد که همسر آن متوفی این ارث (معادل مبلغ $\frac{30}{1000}/1000$ سی میلیون تومان) را به جهت نسبی می‌برد که در نتیجه وی با دو جهت (موجب = سببی و نسبی) از شوهرش ارث برده است که مجموعاً معادل مبلغ $\frac{50}{1000}/1000$ پنجاه میلیون تومان از آن اموال سهم همسر شخص A (متوفی) شده و معادل مبلغ $\frac{30}{1000}/1000$ سی میلیون تومان از آن اموال هم سهم آن دختر عمومی دیگر شخص A (که خواهر همسر شخص A می‌باشد) گردیده است. «جهت مطالعه این قسمت به کتاب دکتر سیدحسن امامی، جلد ۳، صفحه ۱۵۴ رجوع شود. همچنین به کتاب مصطفی عدل، (منصورالسلطنه) شماره ۹۸۷ رجوع کنید.» البته بعضی از حقوقدانان اضافه کرده‌اند که گاهی ممکن است دو موجب نسبی در یک شخص جمع شود (همانند اجتماع دو موجب سببی و نسبی = صورت قبل) و سبب می‌شود که آن شخص بخاطر آن دو موجب نسبی از شخص متوفی ارث ببرد. (همان طوری که در صورت قبل اجتماع دو موجب نسبی و سببی سبب شد که آن شخص بخاطر آن دو موجب نسبی و سببی از شخص متوفی ارث ببرد) برای اجتماع دو موجب نسبی در یک فرد می‌توان این چنین مثال زد که یک شخص فوت می‌کند و وارثی دارد که هم عمومی وی (متوفی) می‌باشد و هم دایی او که در این حالت آن وارث هم به عنوان عمو ارث می‌برد و هم به عنوان دایی. بنابراین اگر مثلاً شخص A از دنیا رفت و وارث او شخص B باشد که هم عمومی او هم دایی او باشد و از طرفی دو وارث دیگر هم داشته باشد که یک عمه (شخص C) و یک خاله (شخص D) می‌باشند. در اینجا اگر چه شخص A ظاهر سه نفر وارث دارد که عبارتند از اشخاص B و C و D اما شخص B دو نفر محسوب شده که هم به عنوان عمو و هم به عنوان دایی ارث می‌برد و در کنار آن عمه (C) و خاله (D) قرار می‌گیرد و در نتیجه آن متوفی (A) چهار وارث خواهد داشت (یک عمو و یک دایی و یک عمه و یک خاله) و آن اموال به شکلی تقسیم می‌شود که به شخص B سهم یک عمو و یک دایی می‌رسد و هر کدام از آن یک عمه و یک خاله هم سهم خود را دریافت می‌کنند. بنابراین با استناد به ماده ۹۳۵ قانون مدنی که اظهار می‌دارد عمو و عمه دو برابر دایی و خاله ارث می‌برد باید کل اموال بجا مانده به شکلی تقسیم شود که $\frac{2}{3}$ آن را به عمه و عمو بدهند و $\frac{1}{3}$ آن هم به دایی و خاله می‌رسد که آن $\frac{2}{3}$ دو سوم طوری بین عمه و عمو تقسیم می‌شود که

عمو دو برابر عمه سهم ببرد ولی آن $\frac{1}{3}$ یک سوم به طور مساوی بین خاله و دایی تقسیم می‌شود.

بنابراین اگر مثلاً شخص A وقتی از دنیا رفت اموال بجا مانده از وی معادل مبلغ ۴۵/۰۰۰/۰۰۰ چهل و پنج میلیون تومان ارزش داشت و وراثت وی شخص B می‌باشد که هم عمو و هم دایی وی (A = متوفی) می‌باشد و همچنین شخص C و شخص D که به ترتیب عمه و خاله آن متوفی (A) می‌باشند که در این حالت مقدار $\frac{2}{3}$ دو سوم آن اموال (معادل با مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ سی میلیون تومان) به آن عمو و عمه می‌رسد که سهم عمو از آن معادل مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ بیست میلیون تومان است که در این مثال معادل مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ بیست میلیون تومان به شخص B می‌رسد چون که عموی متوفی (A) می‌باشد و سهم عمه متوفی هم معادل مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ده میلیون تومان از آن مقدار می‌باشد و مقدار $\frac{1}{3}$ یک سوم دیگر آن (معادل با مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ پانزده میلیون تومان) به خاله و دایی متوفی می‌رسد که به طور مساوی بین آن دو تقسیم می‌شود که به هر کدامشان معادل مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ هفت میلیون و پانصد هزار تومان از آن مقدار می‌رسد که شخص B چون دایی متوفی هم می‌باشد معادل مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ هفت میلیون و پانصد هزار تومان به او می‌رسد که مجموع دو سهم او (بابت عمو و دایی بودن) معادل مبلغ ۲۷/۵۰۰/۰۰۰ بیست و هفت میلیون و پانصد هزار تومان می‌گردد و به خاله متوفی هم معادل مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ هفت میلیون و پانصد هزار تومان باقیمانده را می‌دهند که سهم خاله و سهم عمه مجموعاً معادل مبلغ ۱۷/۵۰۰/۰۰۰ هفده میلیون و پانصد هزار تومان می‌گردد که مجموع تمام سهام (عمو و دایی و خاله و عمه) معادل مبلغ ۴۵/۰۰۰/۰۰۰ چهل و پنج میلیون تومان می‌گردد که کل دارایی شخص متوفی (A) می‌باشد. «در این مورد به دکتر جعفری لنگرودی، ارث، جلد ۱ ص ۸۵ رجوع کنید.»

۲- نکته دوم را نیز در تکمیل نکته اول قرار می‌دهیم و توضیح اینکه آنچه که در نکته اول در مورد بند اول ماده ۸۶۵ بیان کردیم که اگر چند جهت و عنوان (موجب) ارث در یک نفر جمع باشد آن شخص بخاطر تمام آن جهات (موجبات) ارث می‌برد مربوط به موردی است که همه آن جهات و عناوین (موجبات) ارث در یک طبقه باشد و از یک درجه باشد مانند همان مثال اجتماع دو عنوان عمو و دایی در یک نفر که چون عمو و دایی هر دو مربوط به یک طبقه (طبقه سوم) و از یک درجه می‌باشد آن شخص هم سهم عمو را می‌برد و هم سهم دایی را. اکنون به

مفهوم مخالف آن نکته می‌پردازیم که اگر آن جهات و عناوین مربوط به طبقات مختلف باشد آن شخص فقط بخاطر آن عنوان وجهی که مربوط به مقدم‌ترین طبقه می‌باشد ارث می‌برد و بخاطر عنوان و جهت مربوط به طبقه بعدی (با طبقات بعدی) ارث نمی‌برد قانونگذار در ماده فوق ۸۶۵ به آن جهت و عنوان یکه در مقدم‌ترین طبقه می‌باشد «جهت مانع» گفته است که در پایان ماده فوق ۸۶۵ می‌گوید: «مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع ارث می‌برد.» بنابراین اگر مثلاً یک عنوان و جهت ارث بردن مربوط به طبقه دوم بوده و عنوان و جهت دیگر مربوط به طبقه سوم باشد در این صورت آن شخصی که هر دو عنوان نامبرده شده در او جمع شده است فقط به خاطر عنوان و جهتی که مربوط به طبقه دوم می‌باشد از آن متوقی ارث می‌برد و به جهت عنوان مربوط به طبقه سوم از متوقی ارث نمی‌برد زیرا طبقه دوم مقدم‌تر می‌باشد نسبت به طبقه سوم و در نتیجه براساس گفته قانونگذار (در پایان ماده فوق = ۸۶۵) جهت و عنوان مربوط به طبقه دوم مانع می‌شود نسبت به جهت و عنوان مربوط به طبقه سوم و نمی‌گذارد آن شخص به خاطر جهت و عنوان مربوط به طبقه سوم از آن متوقی ارث ببرد و در نتیجه فقط بخاطر جهت و عنوان مربوط به طبقه دوم ارث می‌برد. مثال این مورد را این چنین قرار می‌دهیم که مثلاً شخص A از دنیا می‌رود و وراثت او یک برادر است که پسر عمومی وی (A = متوقی) هم می‌باشد که می‌دانیم برادر از افراد وارث طبقه دوم می‌باشد اما پسر عمومی مربوط به افراد وارث طبقه سوم می‌باشد و طبق قانون ارث تا یک نفر از طبقه قبلی (مقدم) موجود باشد افراد طبقه بعدی ارث نمی‌برند و در این مثال هم آن شخص چون برادر متوقی می‌باشد و برادر بودن برای متوقی مربوط به طبقه دوم است فقط بواسطه جهت و عنوان برادر بودن ارث می‌برد و بخاطر جهت و عنوان پسر عمومی متوقی (A) بودن ارث نمی‌برد چون که پسر عمومی بودن برای متوقی (A) مربوط به طبقه بعدی (سوم) می‌باشد که با بودن وارث در طبقه مقدم (دوم) افراد موجود در طبقه مؤخر (بعدی = سوم) ارث نمی‌برند. نتیجه اینکه در این صورت آن شخص فقط بواسطه جهت و عنوان برادر بودن (که به آن جهت و عنوان، مانع گفته می‌شود) ارث می‌برد البته باید توجه داشته باشیم که افراد مربوط به یک طبقه هم همیشه همه آنها با همدیگر ارث نمی‌برند بلکه آن افراد مربوط به یک طبقه به چند درجه تقسیم می‌شوند که آن درجات هم مثل طبقات براساس سلسله مراتب و اولویت در ارث مطرح می‌باشند که مثلاً در طبقه سوم عمومی و عمه و دایی و خاله در درجه اول هستند و فرزندان آنها در درجه دوم می‌باشند و فرزندان فرزندان آنها در درجه سوم می‌باشند و همین طور ... بنابراین همان طوری که با بودن یک نفر از افراد مربوط به طبقه دوم به افراد مربوط به طبقه سوم چیزی از اموال آن میت